باسمه تعالی

خلاصه ای از کتاب روش برداشت از قرآن کریم- صفایی حایری

برخی مبانی

۱. قرآن کتاب لفاظی علمی نیست بلکه کتاب شفاست و همیشه با شناخت دادن شفا نمی دهد.

۲. جادهی آیات توسط رسول، حکیمانه بوده است.

پیشگفتار

در مقاطع مختلف بازگشت از و به قرآن کریم اتفاق افتاده است.

بهتر است به جای بررسی توطئه های بیرونی، زمینه آمادگی ابتلاء جامعه خود را بررسی کنیم.

راه بازگشت: رهایی از تحجرها، عادات، تقلیدها و تلقین ها و حرکت با تمام قوای عقلی خویش به سوی حقیقت ← مواجهه غیر راکد با تحولات علوم و تکنولوژی.

گروه ها

۳. بدون سوال نیاز و ضرورت سراغ قرآن می روند.

۴. سوالاتشان را جواب داده اند و فقط برای تایید و شاهد آوردن و تبرک سراغ قرآن می روند. ← باطنیه، فیلسوف، عارف، سوسیالیست، انقلابی، ضد انقلاب

۵. با سوال و درک ضرورت ها وارد قرآن می شوند.

 شتاب زده و سطحی ← به تناقض و دروغ بستن به قرآن

 تسلط بر تمام قرآن + سیر فکری همراه آن

برای بهره مندی از ریشه ها

دو سال غیر مداوم (صرف و نحو مقدماتی، معانی بیان بدیع، منطق و اصول) +‌ روش برداشت + انس می تواند راهگشا باشد.

فصل اول: تناقض ها و عمومی دانستن بهره از قرآن

در مورد کتاب خدا تناقض قابل تاب نیست.

۱. میان قرآن و قرآن: آیات متشابه و تشخیص آنها ← بستن راه تدبر

۲. میان قرآن و سنت: منع از تفسیر به رای و شرط همراهی با ثقل اصغر

۳. میان سنت و سنت: قرآن در این موارد داور نامیده شده است.

۴. میان قرآن و عینیت: اینکه در عمل برداشت های مختلفی وجود دارد.

راه حل

آیات به زبان مردم و روشن هستند به یک شرط: در جای خود تلاوت شوند. در این صورت درمان است. (این تلاوت در جای خود، طبابت و تخصص می خواهد. اما همین که آیه ها برای درد خاصی از مردم تلاوت شد، دیگر برای عموم مردم درمان خواهد بود.)

فصل دوم: چیستی و ضرورت روش

روشی می خواهیم که تنها راه ما را تقسیم کار و تخصص نکند ← تا دچار مثله شدن و پراکندگی نشویم. ← تا مثل استخر آدم ها را به آب نبندیم. استخراج روش، نیازمند احصاء حتی فعالیت های ناخودآگاه ارتکازی محققین است.

مقاصد از معانی مهم تر است: شما فقیه هستید هنگامی که بر مقاصد و کعانی کلام ما آگاه شوید.

نمونه ها

۱. از گوشت قربانی به سودانی ندهید.

۲. در خوزی خیری نیست.

۳. ازدواج برای فقر

۴. صله خواستن امام کاظم ع از هارون الرشید

۵. تمجید و مذمت کوفیان

منبع معرفتی حل ابهامات

خود قرآن کریم: صراط؟ ان اعبدونی هذا صراط مستقیم

استفاده از بیان معصوم به عنوان آشنا به رابطه آیات و کارشناسی آن است.

اهمیت مصداق ها

۱. ظهر و بطن: مصداق آشکار و پنهان

۲. تاویل و تنزیل: مصداق های ثانویه و مصداق های مورد نزول

به دنبال روش و کلید در موارد ذیل هستیم

۱. ترجمه و تفسیر

۲. روح

۳. نور

فصل سوم: کلید تفسیر

هربرداشتی از قرآن کریم ممکن نیست چون

۱. دچار هرمنوتیک می شویم و …

۲. خود قرآن تبیان کل شیء است. ← تبیان خودش هم هست.

نگاهی به کلیدها

کلید

۱. ترجمه ← فقط درک زبان

۲. تفسیر

 تسلط

 زیرا (جمع این دلایل)

۱. نبود دسته بندی در قرآن

۲. وابستگی تنزیل به حادثه ها

۳. تنظیم رسول

 نتیجه تسلط

۱. می توان هر آیه را با آیه دیگر جمع کرد و نکته جدیدی فهمید.

۲. والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین +‌حمله و فصاله ثلاثون شهرا = حداقل حمل

 حکمت پراکندگی آیات

۱. تا نیاز به ثقل اصغر داشته باشد.

۲. و قرآنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث: به تدریج بر مردم خوانده شود و در حادثه خودش.

۳. …. جمله واحده کذلک لنثبت به فؤادک و رتلناه ترتیلا

۴. خواندن چند باره، خستگی آور نخواهد بود و هر بار نکته ای جدید را می رساند.

 طرح سوال (کتابی مجمل است که با طرح سوال و راه افتادن تفکر مفصل می شود.)

 هدف سوره

۱. این سوره با چه روحیه هایی به عنوان مخاطب روبرو هست؟

۲. ما اگر بودیم، با این روحیه ها چطور روبرو می شدیم و خدا چطور روبرو شده؟

۳. آغاز ما چگونه می بود و آغاز خدا چگونه است؟

 زمینه روانی آیه ها

 رابطه آیات با یکدیگر:

۱. ترتیب آیات حکمتی دارد حتی گاه حکمتی سیاسی.

۲. خطر: نباید تصنعی رابطه بسازیم. رابطه ها را نیز نباید قطعی بدانیم.

 رابطه اجزای خود آیه ها با آیه: کلمات، خطاب ها و التفات ها

 حلم در برابر سوالات ← برای سال ها صبوری کردن و برای آمادگی بلع جواب

 تفکر در قرآن

 در سوره ها: نمونه، سوره قیامت(مخاطب انسان، با ضرورت معاد، استعدادها، سوال، قاطعیت، عوامل انکار، تصویر، عقل، تهدید، تشویق، وسعت، برهان، طرح سوال) ، سوره صاد (روحیه عناد و عداوت، کبر و عجب، طرح سوال، اولی الایدی، داود قدرتمند، سلیمان قدرتمند)

۱. قرائت دقیق

۲. شناخت روحیات مخاطب سوره

۳. رویارویی قرآن با این روحیه

۴. راه جایگزین ما برای این روحیه

 در زمینه روانی آیه ها: سوره صافات (روحیه منکر و شکاک با سوال – حقارت انسان و عظمت حق، پشیمانی در قیامت، داستان اهل کوچ، مسئله معاد، سرشار از فاء تفریع) – سوره نازعات ()

۱. زمینه ای که مخاطب را برای مطلب اصلی آماده می کند.

۲. فضاسازی می کند و تصویر ایجاد می نماید و فکر را به کار می اندازد و به نتیجه می رساند.

 در ارتباط منطقی آیه ها (یا دسته آیات دارای یک موضوع) ← سوره حمد(تا ایاک نعبد، معبودها را ارزیابی می کند و در آن، اعلام می نماید که جز او را نمی پرستد و در کشاکش امتحان و در عجزها جز سراغ او نمی رود. تجلی این استعانت هم در راه است. نه آنان که بازیگرند و نه آنان که بازیچه)، سوره اخلاص، سوره عصر(خسران ها را به عصر نسبت ندهید. به اندازه سرمایه ها سود نکرده. هم خود رشد می کند و هم به رشد دیگران می اندیشد …)

 در ارتباط اجزای یک آیه (یا آیات هم موضوع) ← کهف(فتیه آمنوا بربهم فزدناهم هدی)، طلاق(من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا)

 سیر فکری ← تفکر و مطالعه(خاطره گیاه کوهی): یعنی تا حدودی زمینه فکری حکیمانه ای داشته باشیم و تفکر و تعقلی را دنبال کنیم که به محض دیدن کلام بلند، به آن جذب شویم. کتاب فصلت آیاته قرآنا عربیا لقوم یعلمون

 نمونه

۱. اصل انسان، حرکت است و نه رفاه. (خوبی و نه خوشی) جهت حرکت هستی: الیه یرجع الامر کله، الی ربک المنتهی، الیه الرجعی

۲. نسبت سود به سرمایه ملاک است: لیس للانسان الا ما سعی

۳. توجه به اهمیت وظیفه گرایی و تفکر و رهایی از عادت ها با آزاد اندیشی: قل انما اعظکم بواحده ان تقوموا لله مثنی و فرادی ثم تتفکروا: قطب نما در میدان شدید عادت ها کار نمی کند و اول باید از میدان عدات خارج شود.

۴. جرقه های فرهنگی باید با روحیه های طالب و تسلیم آغاز شود تا نتیجه فراگیری داشته باشد و اینها می توانند بر دیگران اثر گذارند. (ان تسمع الا من یومن بآیاتنا فهم مسلمون)

۵.

۳. روح: عوامل پنهان در ماجراها (نقد: گاهی شاید حتی برای فهم معنای لفظی کلمات استفاده شود.)

 شکل طبیعی جملات برای انتقال آن مفهوم (از ذوق و سلیقه تربیت شده یا بدوی) – برای دانستن علت خروج از آن شکل طبیعی، دانستن ادبیات (معانی، بیان و بدیع) کافی نبوده و حتی روانشناسی هم می تواند کمک نماید. نمونه: و اذ نادی ربک موسی ان ائت القوم الظالمین – فعلت فعلتک التی فعلت (کار موسی خیلی برای فرعون سنگین بوده) / قال فرعون و ما رب العالمین؟ (از روی غرور، خدا را چیز دانسته) / می گوید فماذا تامرون و نه و ماذا تفعلون / فاردت ان اعیبها – فاردنا ان یبدلهما ربهما خیرا – فاراد ربک …

 روح ایمان: برخی شناخت ها نسبت به روحیات، نتیجه حرکت روحی خود شخص است. لا تجد قوما یومنون بالله یوادون …

۴. نور (مانع نشدن از بهره برداری از نور قرآن)

 آزادی با اجتناب از

 کفر = پوشاندن نور و مبتلا شدن به کیفر عدم فهم نور

 نفاق = استفاده از نور در جهت منافع و رنگ زدن و مسخ کردن نور

 ظلم = نور فقط مسئولیت آنها را بیشتر کرده و در مجموع موجب خسارتشان می شود: و ما یزید الظالمین الا خسارا

 فسق = از نور برای گمراهی خود استفاده می کنند. می فهمند تا بهانه جویی کنند.

 اطاعت: اطاعت نسبت به هدایت، نوعی شکر است: لئن شکرتم لازیدنکم و کسی که از هدایت استفاده کند، خداوند هدایتی بالاتر را به صورت پاداشی به او عطا می کند: والذین اهتدوا زادهم هدی و آتاهم تقواهم.

تکنیک

۱. جایگزینی کلمات متشابه برای آن معنا در آیه (روح)

۲. ببینم اگر من بودم به این روحیه چه می گفتم. (تفکر در سوره ها)

۳. جایگزینی عباراتی که همان مفاهیم را برساند. (تفکر در سوره ها و روح)

تاثیر وضعیت روحی در استفاده از قرآن کریم

بسیار اتفاق افتاده که در حالت هایی روحی آیات را می یابم و می فهمم و ارتباط برقرار می کنم اما در حالت های روحی دیگری با همان آیات حس بیگانگی می نمایم و گویا در پشت دیوار آن آیه ها محبوس می شوم و انگار آن آیه ها در برابر من حصار می کشند و بالا می روند. من از این محرومیت ها محزون می شوم و به دنبال راه می گردم اما می دانم که این مانع ها از من است و نه از دوست.